

مسئولیت جزائی

بیشتری میدهد: مجرد قصد ارتکاب جنایت یا تهیه بعضی مقدمات جزئیه آن شروع محسوب نمیشود

گفته شد قصد تا موقعیکه بمرحله عمل نرسیده قابل مجازات نیست حال قانون يك قدم بالا گذاشته میگوید که تهیه مقدمات نیز شروع محسوب نشده و قابل مجازات نیست

تهیه مقدمات و شروع بارتکاب

تشخیص ایندو امر از یکدیگر گاهی تولید اشکال میکند برای تمیز دادن آن علمای حقوق تعاریفی کرده و مقیاسهایی داده اند

۱ - اولین تعریف و قدیمترین آنها اینست تهیه مقدمات عبارتست از اقداماتی که از انجام مقصود یعنی ارتکاب جرم دور باشد و شروع بارتکاب بعکس عملیاتی است که نزدیک بارتکاب جرم باشد.

تعریف و مقیاس بالا بهیچوجه مطلب را روشن نمیکند دور و نزدیک بودن عملی بارتکاب جرم بیانی است بی نهایت ساده و از کثرت سادگی گنگ و تشخیص امر را مشکل تر میکند.

ب - نظر باینکه تعریف بآن قانع کننده نبود تعریف دیگری داده شده: تهیه مقدمات عملی است که وارد تعریف قانونی جرم نمیشود بعبارت دیگر جزء عوامل مشکله جرم نیست لیکن شروع عبارت از عملی است که قانون جزء عوامل مشکله جرم و یا جزء علل منتهه آن محسوب داشته است

مثال:

خریدن طناب بقصد بالا رفتن از دیوار بمنظور دزدی تهیه مقدمات جرم دزدی محسوب میشود و مجازات ندارد اما طناب انداختن بدیوار و بالا رفتن از آن بقصد دزدی در صورتیکه یاسبان بسر رسیده و یا اتفاقات غیر مترقبه دیگری مانع از انجام گردد شروع بسرقت بشمار آمده و فاعل آن مجازات میگردد مقیاس دوم بهتر از اولی است

قبلا گفته شد اجتماع سه عنصر لازم است تا عملی جرم شناخته شده و فاعل آن مجازات گردد

۱ - عنصر مادی

قانون قصد ارتکاب را به تنهایی مجازات نمیکند ارتکاب عمل برای تشکیل جرم و اعمال مجازات لازم است لیکن گاهی قانون شروع بعمل را کافی برای وجود پیدا کردن جرم و اعمال مجازات میداند هر چند خود عمل که قانوناً جرم شناخته شده صورت نگیرد

شروع بجرم

شروع بجرم در مورد جنایات بطور کلی (ماده ۲۰ ق - م - ع) و در مورد جنحه در صورتی که در قانون بآن تصریح شده باشد (ماده ۲۳ ق - م - ع) قابل مجازات است

در غیر این موارد یعنی در امور جنحه که مشمول ماده بآن نمیگردند و قانون بآنها تصریح نکرده و در امور خلاف بطور کلی شروع بعمل جرم محسوب نشده و مجازات ندارد.

شرائط

برای اینکه شروع بجنایت قابل مجازات گردد ماده ۲۰ ناهبرده اجتماع دو شرط را لازم میداند
۱ - فاعل شروع بارتکاب بکند .
۲ - بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلیت نداشته قصدش معلق یا بی اثر مانده باشد

۱ - شروع بارتکاب

ماده ۲۰ فقط شروع بارتکاب جنایت را ذکر کرده ولی تعریف این ماده را میتوان عمومیت داد و درباره شروع بارتکاب جنحه در صورتیکه قانون تصریح کرده باشد نیز صادق دانست

ماده ۲۱ ق - م - ع در باره شروع بارتکاب توضیح

اشکال بزرگی که در این موضوع پیش می‌آید این است گاهی نمی‌شود خوب تشخیص داد که مجرم بخودی خود پس از شروع ارتکاب دست نگه داشته یا اینکه عوامل خارجی مانع انجام منظورش گردیده اند در این صورت اصل کلی در موضوع های جزائی که شك را بنفس متهم تعبیر میکنند باید عملی نمود مثال- شخصی تفنگ بدست گرفته کمین می‌رود که انسانی را بکشد غفلتاً خیال میکنند يك پاسبان یا شخص دیگری از دور پیدا شده می‌ترسد بگیرد دست نگه میدارد این تغییر اراده را آزادانه باید بشمارد و بوسیله عوامل خارجی دانست. جواب این سؤال بسته به مورد است قاضی باید در پرونده امر دقیق شده و تشخیص آنرا بدهد بطور کلی میشود گفت در هر حال موقعیکه جرمی پس از شروع بعمل آمده عمل کامل نرسید باید سهم اراده و سهم عوامل خارجی را در عملی نشدن آن مقایسه کرده دید کدام يك بزرگتر است در صورت بانی ماندن تردید بنابر اصل کلی شك را بنفس متهم تعبیر کرد بعلاوه ملاحظه این نکته را باید کرد که جرم خواه از ترس پاسبان و خواه از روی بدامت اخلاقی صورت نگرفته و ناممکن است از مجازات خودداری کرد.

۲ - عنصر قانونی - بایستی عمل ارتكابی را قانون جرم شناخته باشد دولت که در هیئت اجتماع نماینده قدرت است به منظور نفع جامعه و حفظ انتظامات قوانینی بر قرار داشته بوسیله آن امر ونهی میکند ماده ۲ ق - م - ع میگوید «هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنچه که بموجب قانون جرم شناخته شده» منطق نیز حکم میکند تا عملی قبلاً منع نشده مرتکب آنرا نتوان سیاست نمود مجازات یعنی کیفر کارزشت ولی قبلاً باید دانست چه کاری زشت است و این را قانون روی اصل اخلاق و عدالت و نفع جامعه قبلاً تعیین کرده است ماده ۶ ق - م - ع نیز ضمناً مطالب بالا را مبرساند: «مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود...» (رجوع شود بمقالات گذشته)

۳ - عنصر اخلاقی جرم چنانکه گفتیم پایه اش بر قصد استوار میباشد قصد ارتکاب و یا تقصیر که معنایش وسیع تر و شامل خطاهای غیر عمد نیز میگردد برای تحقق جرم لازم است

ولی نقص عمده آن اینست که شروع بجرم های قابل مجازات را بی نهایت محدود میکند

ج - مشبیهون میزان بهتری بدست ما داده اند - تهیه مقدمات عملی است مبهم که قصد فاعل را روشن نمیکند کسی که مشاهده انجام آنرا کرده نمیتواند یقین حاصل کند که مجرمی این عمل مقدماتی قصد ارتکاب جرم بطور کلی و یا قصد ارتکاب جرم خاصی را دارد در صورتیکه شروع به جرم برای ناظر عمل هیچ تردیدی در قصد ارتکاب فاعل باقی نمیگذارد از خریدن طناب نمیتوان استنباط کرد که خریدار قطعاً قصد سرقت دارد اگر چه يك نفر سارق عادی و سوابق محکومیت متعدد داشته باشد بعکس کسی که شب از دیوار خانه دیگری منتکر وار بالا می‌رود و بگیر می‌افتد میتواند یقین کرد که خیالش دستبرد زدن بخانه بوده و عملش شروع ارتکاب سرقت است هر چند فرض های دیگری نیز ممکن است عاشقی دل داده در دل شب قلبش طپیدن گرفته بهوای دیدار معشوق و رسیدن بوصال چنین کار خطرناکی بنماید بخت یاری نکرده بدست پاسبان شهر گرفتار آید لیکن پرونده امر اوضاع و احوال قرائن و آمار حقیقت را کشف و منظور فاعل را فردای آن شب آفتابی خواهند کرد

۲ - تغییر اراده ندادن مجرم بخودی خود

ماده ۲۰ ق - م - ع علاوه بر شرط بالا شرط دیگری برای قابل مجزات بودن شروع بجرم ذکر میکند: «ولی بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلت نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند» عبارت دیگر مجرم در اراده خود بر ارتکاب باقی مانده لیکن اموری که از اراده و اختیار او خارج است مانع از اجرای تصمیمش گردد چه اگر خود او پس از شروع پشیمان شده تغییر رأی دهد منطق حکم میکند چونکه هنوز جرمی بوقوع نیویسته مجازاتی نیز در کار نباشد دیگر اینکه این امر بنفس جامعه و موافق با سیاست جزائی عاقلانه است چه شخصی که شروع ارتکاب کرده در صورتیکه بداند اگر دست نگه دارد مجازات نخواهد شد ممکن است پس از شروع پیش نفس خود خجل شده و پشیمان گردد لیکن اگر براند با وجود عدم ارتکاب پس از شروع مجازات خواهد شد دیگر پس از شروع تردیدی در انمام جرم نخواهد داشت

تقصیر توایند مسئولیت کرده و باعث بکار افتادن حربه مجازات میگردد
دیوانه و طفل را نمیتوان مجازات کرد چه قوه عاقله این اشخاص ناقص و با سالم نیست و تقصیر طبیعتاً مستلزم اراده و فکر سالم است.

مسئولیت جزائی

هرگاه عملی را قانون جرم شناخت (عنصر قانونی) و شخصی مرتکب آن عمل گردید (عنصر مادی) باید دید این شخص از روی قصد و اراده مرتکب شده است یا خیر (عنصر اخلاقی) مسئولیت جزائی مجرم غالباً وابسته به این عنصر اخیر است بجهت این وابستگی کامل است که نگارنده از عناصر جرم و مسئولیت جزائی در يك محل بحث می کند.

مسئولیت جزائی حیوانات

تاریخ نشان میدهد که مسئولیت جزائی همیشه اختصاص با انسان نداشته در زمانهای پیش بعضی حیوانات را نیز مجازات میکردند در عهد قدیم و قرون وسطی در کشورهای بیگانه حیوانات مجازات شده و مجازات میشدند در ایران نیز در زمان ساسانیان نظر به حیثیت و فراستی که برای سگ قائل بودند این حیوان را بسبب جراحت و زخم وارد یک انسان مجازات میکردند (رجوع شود بمقالات پیش تاریخچه مجازات در زمان ساسانیان)

مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی

مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی نیز از عهد های دیرین وجود داشته جامعه های صنفی و شغلی در صورت ارتکاب امر زشتی مجازات میشدند

منتهی مجازات اشخاص حقیقی (انسان) با اشخاص حقوقی بالطبع فرق داشته و در در یک شخص حقوقی يك شرکت مثلاً دارای بدن نیست که بشود اعدامش کرد لیکن انحلال شرکت در حکم همان مجازات اعدام است برای انسان این موضوع نزد بعضی از علمای حقوق جزای فرانسه و همچنین در رویه قضائی آن کشور مورد انکار واقع شده

و دلائل پائین علت آن میباشند:

۱ - اشخاص حقوقی از خود اراده ندارند و کسی که اراده ندارد نمیتواند مرتکب تقصیری شده بالنتیجه مسئول گردد.

۲ - وجود اشخاص حقوقی با منظوری که برای انجام آن تشکیل شده اند بستگی دارد و قدرت آنها در اجرای اعمال تا حدی است که برای اجرای مأموریت آنها قانون لازم دانسته و اختیار داده است

ارتکاب جرم برای اجرای منظور اشخاص حقوقی لازم نیست پس يك شخص حقوقی قانوناً نمیتواند مرتکب جرم گردد

۳ - مجازاتهای قوانین جزا برای انسان تعیین شده مجازاتهای اعدام و حبس را چگونه میتوان در باره يك شرکت یا يك بنگاه اعمال کرد

بر خلاف عقیده بالا در عصر حاضر اکثریت علمای حقوق به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی قائل میباشند و این عقیده اخیر برای جلوگیری از مفاسدی که در کشورهای اروپا سندیکاها برپا کرده اند نتایج سودمندی دارد و دلائل آن بقرار پائین است

۱ - علمای جامعه شناس برای جوامع اراده مشخصی غیر از اراده اعضای آن قائلند (رجوع شود بمقاله اول ما راجع به عوامل تشکیل جوامع انسانی) در صورتیکه جامعه دارای اراده مخصوصی باشد مسئول اعمال خود نیز هست بعلاوه حقوقیون که مسئولیت حقوقی اینگونه اشخاص را قبول دارند چرا مسئولیت جزائی آنان را قبول نداشته باشند در صورتیکه پایه هر دو نوع مسئولیت بر تقصیر بنا شده است.

۲ - درست است که شخصیت حقوقی برای انجام منظور معینی بجوامع داده شده لیکن اشخاص حقوقی نباید از مقصودی که برای آن تشکیل شده اند منحرف شده و قدرتی را که قانون آنها میدهد بمصرف اعمال خلاف برسانند

۳ - هر چند مجازاتهای قوانین جزا غالباً برای اشخاص حقیقی بنا شده لیکن بعضی مجازاتها از قبیل

انحلال و غرامت و ضبط اموال را میتوان بر آنها
اجراء کرد

مسئولیت جزائی انسان

انسان موقعی که مرتکب جرمی گشت مقصر است و
باید مجازات شود لیکن در رشته امور باعث رفع مسئولیت
جزائی اوگشته و از مجازات نجاتش میدهند

۱ - علل عدم تقصیر

Causes de non culpabilité

۲ - انفاقات رافع تقصیر

Faits justificatifs

۱ - علل عدم تقصیر

در جرائم ارتكابی اطفال خرد سال و دیوانگان و یا
جرائم ارتكابی از روی اجبار و عنف فاعل را قانون مجرم
نشناخته و مجازات نمیکند در اینگونه موارد عنصر اخلاقی
یکی از عوامل تشکیل دهنده جرم وجود ندارد زیرا اطفال
غیر ممیز و مجنون دارای اراده و تفکری نیستند و در جرم

ارتكابی از روی اجبار و عنف اراده فاعل در ارتكاب آن
آزاد نبوده و الا ممکن بود مرتکب نشود پس در این حالات
جرمی صورت نگرفته تا فاعل مستحق مجازات گردد

۲ - انفاقات رافع تقصیر

در این حال جرم صورت گرفته سه عامل مشکله آن
وجود دارند فاعل از روی اراده و قصد مرتکب شده است
لیکن اموری در حین ارتكاب دخالت داشته اند که رفع مسئولیت
جزائی از فاعل میکنند چنانکه در مقام دفاع از نفس و
ناموس و مال کسی را کشته و یا مجروح ساخته است

فرق ایندو سنخ علل اینست که شق اول شخصی هستند
فقط بحال شخصی طفل غیر ممیز و دیوانه و یا مجبور مفید
واقع میشوند In personam و بحال سایر اشخاصیکه در
جرم شرکت داشته اند تأثیری ندارد لیکن شق ثانی جنبه
عمومیت (In rem) دارند بطور مطلق در مقابل کلیه
مجرمین جرم را از بین میبرد

دکتر آشوب خاتمه

در بیان ودیعه و مطالب متعلقه بعقد ایداع و شروط آن

از مغازه خارج گردد مال مزبور در نزد صاحب مغازه ودیعه
است و اگر صاحب مغازه در ابتدای امر قبول ننماید ودیعه
منعقد نمیگردد.

۵ - هرگاه مالی را یک نفر یا چند نفر نزد جماعتی
ودیعه گذارند و آن جماعت در موقع ودیعه گذاردن ساکت
باشند مال مزبور در نزد تمام آنها ودیعه خواهد بود و چنانچه
یکی بعد از دیگری از آن محل برخیزند و بروند و بیش از یک نفر
باقی نماند آن مال در نزد همان یک نفر ودیعه است و حفظ مال
مزبور بعهده همان یک نفر است.

۶ - مودع و مستودع هر کدام میتوانند ایداع را هر
موقع که بخواهند فسخ کنند.

در بیان شرایط

۷ - باید ودیعه قابلیت قبض و اقباض را داشته باشد که
بتوان آنرا قبض نمود بنابراین کبوتری که در هوا مشغول پریدن

۱ - ودیعه عبارت از سپردن مالی است بدیگری
بطریق امانت که آن را نگاه بدارد و در هر وقت که صاحبش
آن را بخواهد رد نماید.

۲ - شخص ودیعه گذار را مودع و ودیعه گیرنده را
مستودع و با امین نامند و منعقد میگردد ایداع با ایجاب و قبول
بهر لفظیکه دلالت بر این معنی نماید و هرگاه ودیعه گذار بگوید
مال خود را سپردم تو و یا امانت در نزد تو گذاردم و مستودع
پاسخ دهد که قبول کردم عقد ودیعه منعقد گردیده است.

۳ - چنانچه شو فری برای اتومبیل خود محلی را
از صاحب کاراژ بخواهد و مشارالیه محلی برای اتومبیل او
معین کند و شو فر اتومبیل خود را در آن محل قرار دهد
عملاً ودیعه خواهد بود.

۴ - همچنین اگر شخصی جنس خود را در مغازه
بگذارد و صاحب مغازه به پیشد و ساکت بماند و صاحب جنس